

گفت‌وگو با منصوره مصطفی‌زاده، نویسنده کتاب‌های «قهرمانان کربلا»

مادران؛ سربازان نامرئی مکتب عاشورا

نسرین نقدی ادر آستانه ماه محرم، سؤالی که خانواده‌ها را درگیر می‌کند این است: چگونه می‌توانیم مفاهیم عمیق عاشورا را به کودکانمان منتقل کنیم. به گونه‌ای که این داستان‌ها تنها یک روایت تاریخی نباشند، بلکه منشأ عشق، تعهد و فضیلت در زندگی‌شان شوند؟ در این میان، مادران به عنوان اولین و مهم‌ترین مربیان معنوی، نقش بی‌بدیلی در نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی و عاشورایی دارند. اما چگونه می‌توان این پیام‌ها را بدون ایجاد اضطراب و بازبانی ساده، در دل کودکان جای داد. برای یافتن پاسخی عملی و الهام‌بخش، با خانم منصوره مصطفی‌زاده، نویسنده مجموعه دوازده جلدی «قهرمانان کربلا» گفت‌وگو کردیم. این مجموعه، یازده قهرمان کربلا را با زبانی کودک‌پسند معرفی می‌کند. هر جلد، یک فضیلت اخلاقی از قبیل شجاعت، معذرت‌خواهی تا تعهد به حق را در قالب داستانی ساده و پویا به کودکان منتقل می‌کند. بخش «بیا با هم فکر کنیم» نیز با طرح سوالات تأمل‌برانگیز، کمک می‌کند تا این فضیلت‌ها در ذهن کودک تثبیت شوند.

خانم مصطفی‌زاده؛ با توجه به شخصیت‌های عاشورایی، معیار شما برای انتخاب قهرمانان خاص کربلا چه بود؟ آیا ویژگی مشترکی در آن‌ها می‌دیدید که برای کودکان الهام‌بخش باشد؟

تمام شهدا و شخصیت‌های کربلا مظهر فضائل متعددی هستند؛ از جمله خود حضرت امام حسین (ع) که مجموعه‌ای از تمام کمالات را در خود جای داده‌اند. تا بقیه شهدا که هر یک فضایل منحصر به فردی دارند. اما در انتخاب این قهرمانان خاص مهم این بود که فضیلت هر شخصیت به گونه‌ای باشد که کودکان بتوانند آن را درک و در زندگی خود تکرار کنند.

در واقع، وقتی برای کودکان خردسال یادانش آموزان اوایل دبستان قصد داریم یک الگوی اخلاقی معرفی کنیم، باید آن الگو را به شکلی معرفی کنیم که کودک احساس کند: «من هم می‌توانم مسیر این شخصیت را پیمایم».

یعنی مسیری که این شخصیت طی کرده است برای کودک تکرارپذیر و تجربه‌شدنی باشد. مثلاً نمونه پیامبر (ص) بودن امام حسین (ع) یک فضیلت ذاتی و تکرار نشدنی است، چون نسبت فامیلی ایشان نه امکان انتقال دارد و نه یادگرفتنی است. اما تلاش ایشان در نجات مردم از جبهه باطل و هدایت آنان به سمت حق، یک فضیلت تکرار شدنی است. می‌توانیم به کودکان بگوییم هرگاه فردی را دیدی که در

مسیر اشتباه است، مثل امام حسین (ع) تلاش کن و او را راهنمایی کن.

یا به طور نمونه درباره حضرت ام‌البنین (س)، فضیلت احترام ویژه به فرزندان حضرت زهرا (س) و خاندان پیامبر (ص) به عنوان الگویی تکرار شدنی انتخاب شد.

کودکان می‌توانند این احترام را در رفتار با خانواده، معلمان یا افراد برجسته جامعه خود تجربه کنند. در نهایت، هر شخصیت انتخاب شده فضیلتی داشت که محتوایی با امکان بازگویی و عملی در زندگی روزمره کودکان داشته باشد. این رویکرد باعث می‌شود کودک احساس کند: «من هم می‌توانم مثل این قهرمان عمل کنم».

به عنوان مادرانی که دغدغه انتقال مفاهیم عاشورا را داریم، چه ایده‌هایی برای روایت قصه‌های کربلا برای خردسالان اندیشیدید؟

نکته‌ای که اشاره کردید یکی از دغدغه‌های جدی ما است. وقتی درباره خردسالان یا کودکان دبستانی صحبت می‌کنیم، آن‌ها اغلب شاهد اولین داستان‌های خشونت‌آمیز دشمنان امام حسین (ع) زندگی‌شان از طریق مجرم و داستان کربلا می‌شوند. اگر این موضوع‌ها به شیوه‌ای نادرست روایت شوند، احتمال ایجاد اضطراب یا ترس شدید در ذهن کودک بسیار بالاست. بنابراین، راه حل ما این بوده که به

جای تمرکز بر جزئیات خشن و دردناک کربلا، فضای داستان را با محوریت فضایل قهرمانانه شکل دهیم. مثلاً درباره شخصیت حרבین یزید، به جای روایت جنگ، روی تصمیم قهرمانانه‌اش تأکید کردیم. فردی که در ابتدا در جبهه باطل قرار داشت، اما در صحنه عاشورا پشیمان می‌شود، معذرت می‌خواهد و در نهایت در راه حق شهید می‌شود.

این داستان به کودکان یاد می‌دهد که شجاعت معذرت‌خواهی حرو تغییر مسیر زندگی نیز یک فضیلت تکرار شدنی است. در این روایت هیچ نشانه‌ای از ترس وجود ندارد، بلکه روح حماسه و انسانیت مطرح است.

درباره شهادت قاسم (ع) هم همین اصل را رعایت کردیم. به جای توصیف جزئیات دردناک جنگ، داستان را از زمانی شروع می‌کنیم که قاسم (ع) تصمیم می‌گیرد از امامش دفاع کند. در روایت داستان حضرت قاسم (ع) برای کودکان، تمرکز ما بر منش

